



## گزارشی از برنامه پادشاه فصل‌ها پاییز

علی توانا

محملی باشد برای فعالیت‌های این چنینی. در واقع، همین محافل است که کم‌کم جریان فرهنگی ایجاد می‌کند و جریان فرهنگی بسیاری از کشتی‌های فکری تکامل اجتماعی را هدایت خواهد کرد و به ساحل امن و مهرورزی خواهد رساند. خوش آمدید و قدم‌های همه شما روی دیدگان.

این برنامه در سه بخش داستان خوانی، شعر خوانی و قطعه ادبی تنظیم شده بود. بسیاری از شعرهایی که توسط شاعران قرائت شد، مناسبتی و پاییزی بود و همین طور خوانش متن ادبی. اما سهمی هم باید داستان نویس‌ها می‌داشت که در این محفل چند داستان نیز خوانده شد.

در بخش شعر خوانی، اولین شاعر محمود حکیمی بود که با خوانش شعری، همه را به

جایگاه خاصی در مفاهیم و متون خلق شده شاعران و ادبا دارد. از همین روی، بنیاد اندیشه روز دوم میزان ۱۳۹۵ را میزبان جمعی از شاعران و ادب‌دوستان بود. در محفل فرهنگی - ادبی به نام «پادشاه فصل‌ها پاییز».

جلسه را مجری برنامه، حسینعلی کریمی با خوانش شعرهای پاییزی آغاز کرد و بعد حسین حیدریگی مدیرمسئول فصلنامه ادبیات معاصر در مورد فعالیت‌های بنیاد اندیشه صحبت کرد و گفت: چنین محافلی در واقع بهانه‌ای برای گردآمدن دوستان شاعر و نویسنده است. این شهر نیازمند این‌گونه محافل است که فرهنگیان ما گرد هم بیایند و حرفی از جنس مهربانی بزنند؛ در این فضایی که پر است از خشونت و نامهربانی. بنیاد اندیشه نیز با همین هدف فعالیت می‌کند تا

همه فصل‌های سال برای همه آدم‌ها حس و حال متفاوت دارد؛ یکی بهاری است، یکی تابستانی، یکی زمستانی و یکی هم خزان، هرکسی فصل بخصوصی را دوست دارد. اما نمی‌دانم علت چیست که فصل خزان بیشتر سر زبان‌ها است و احساس برانگیز. شاید خزان فصل دگرگونه‌ای است؛ فصلی که خبر از پایان شکفتن‌ها و رستن‌ها دارد و به نوعی تکامل و حاصل‌دهی را هم نوید می‌دهد. فصل خزان روزهای کوچ و جابه‌جایی‌ها نیز هست و همین کوچ است که از دیرگاه مورد توجه بشر بوده است، نه این‌که بشر خود در طول تاریخ زمین، همواره این دایره خاکی را گشته است و از غربتی به غربت دیگر رفته است. شاعران و نویسندگان به عنوان خلاق مفاهیم رمانتیک و تراژیک نیز این فصل را دوست دارند و خزان

بخشی از شعرهایی که در این برنامه خوانده شد.

امین پویا رضایی  
شوی تنایی مه صبا موشدی  
ای تایستوی غم تیرما موشدی  
خدا دیدار توره قسمت موکدک  
بولجه جای مولب دریا موشدی

\*  
قسم دادی مره د شیر مادر  
تتا از تو بشم، عمری سراسر  
اگرچه وعده‌هایت خام گشتک  
بسم عاشق تویه این دل کافر  
عادله آذین نظری

ای که یادت از خیال شور شب آکنده است!  
ای که نامت از هوای تاب و تب آکنده است  
ای که با ترفند بی باکانه عادت کرده ای  
با سلام تازه صبحانه عاده کرده ای  
تا که دست ریش ریش آسمان را بر کنی  
لحظه‌های رفتن دیروزها را بر کنی  
ای که از شبها ملول، ای از هوسها خسته‌ام  
ای تمام هستی‌ام، ای شهسوار رسته‌ام

...  
فخریه بیات  
به زنان کوبانی:

می بوسمت  
فرشته خبر گناهم را به آسمان می برند  
می بوسی‌ام  
فرشته‌ها قلم می زنند  
به جنگ می روم  
گلوله می نشیند به سینه‌ام  
فرشته‌ها چشم می بندند  
خاک بر سر می شوم  
فرشته‌ها بی کار می شوند  
چه با شکوه و زنانه می میرد



داستان‌نویس جوان و با استعداد، که سال پار مقام نخست جشنواره ادبی قندپارسی را از آن خود کرد، داستان خواند. سروش داستان‌هایی با درونمایه روستایی و تاریخی می‌نگارد و زبان داستانی خوبی دارد. سروش با خوانش قسمتی از داستان «گونه‌های خراشیده خشخاش» ذهن‌ها را به روستای «کندوگگ» و «سلطان» کشاند؛ جایی که هنوز آسمانش آبی است و از تعرض شهر به دور مانده. بعد حبیب صادقی نویسنده مجموعه داستان «بادیگارد» داستان خواند. در قسمت بعد هادی مروج، نویسنده، طراح و هنرمند داستانی «شاخ پر از حماقت» را به خوانش گرفت. مروج نویسنده‌ای است که بیشتر شخصیت‌های داستان‌هایش روان‌شناختی و انتزاعی است. در بخش قطعه ادبی، علی توانا، داستان‌نویس جوان، قطعه ادبی «پادشاه فصل‌ها پاییز» را به خوانش گرفت. این محفل با عکس‌های یادگاری فرهنگیان به پایان رسید.

بنیاد اندیشه

حال و هوای فصل قشنگ پاییز برد. شاعری دیگری که در جایگاه آمد و شعر خودش را به خوانش گرفت، محمد جاوید بود. جاوید شاعر جوان و پر تلاشی است که گردآوری مجموعه شعر «تبر و باغ گل سرخ»، مجموعه شعری در سوگ بابه مزاری، و «احیای هویت»، مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید را به عهده داشته است. شاعری بعدی که به خوانش شعرش پرداخت، امیر مروج، صاحب مجموعه شعر «آخرین» بود که سال گذشته در کابل منتشر شد. مروج شاعر خوش قریحه و خوش ذوق است. در نوبت بعد، تهماسبی خراسانی، شاعر جوان بلخ شعر خواند هم‌چنین امین پویا رضایی و دویتی‌های زیبا و دل‌انگیز محلی خواند که همه را به وجد آورد. فخریه بیات، عادله آذین، محمدعلی ستیغ، موسی ابراهیمی و مقصود حیدریان از جمله شاعرانی بودند که در ادامه برنامه شعر خواندند. در بخش داستان، سهراب سروش،

